مدرسه دولتی در ایران اگر نگوییم مرده؛ یتیم شده و بچه سر راهی است

عباس عبدی -پژوهشگر

اگر نگوییم مرگ کامل مدرسه بویژه مدارس دولتی در ایران، حداقل باید گفت مدرسه یتیم شده و یا بچه سرراهی است و تبدیل به یک چاردیواری شده که کودکان و جوانان ماچند ساعتی در آنجامحبوس هستند تا زنگ زده و دانش‌آموز و آموزگار راهی خانه شوند.

از سه هفته پیش برای نوشتن این یادداشت مطالعه و گفتگو می‌کردم، تا این که هفته گذشته تمام شد. تقارن آن با اعتراضات اخیر ان را از اولویت انتشارم خارج کرد. ولی پس از تامل بیشتر به این نتیجه رسیدم که اتفاقا یکی از عوامل و علل اصلی این وضع و این گونه واکنش سیاسی دقیقا وضعیت ناهنجار آموزش عمومی کشور است. پس به این نتیجه رسیدم که آن را به دست انتشار بسپارم. پس از نوشتن یادداشت «سلامت در I.C.U» که درباره وضعیت کلی بخش سلامت بود؛ گفتم که برای بخش آموزش عمومی (منظور دوره ۱۲ ساله ابتدایی و دبیرستان است) مفصل‌تر خواهم نوشت. آقای پزشکیان، هم پزشک است و دستی در بخش بهداشت و سلامت دارند و هم بسیار علاقه‌مند به بخش آموزش عمومی هستند و با هر دو حوزه آشنایی دارند، اطلاع پیدا کردم که از ابتدای دولت خود تا کنون حداقل ۴۱ جلسه در باره مسأله عدالت آموزشی برگزار کرده‌اند، و علاقه دارند که نهضت مدرسه‌سازی را با کمک خیرین و مردم ادامه دهند، هر چند شاید مطلع نباشند که از مدارس غیر انتفاعی هم بالاجبار پول‌هایی را برای ساخت می‌گیرند که این اصلاً جالب نیست. ولی مسأله مهم این است که کم‌اهمیت‌ترین مسأله بخش آموزش موضوع کمبود مدرسه و ساختمان است.

مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و تراکم دانش‌آموزان جزو شاخص‌های خوب بخش آموزش است. البته اطلاع دارم که ایشان در این جلسات بیش از ساخت و ساز، بر بهبود کیفیت آموزشی تاکید دارند ولی نمودی بیرونی از قبیل دستورالعمل‌ها یا سیاست‌های جدید از این رویکرد دیده نمی‌شود.

یکی از عجایب سیاست‌ها در ایران تأکیدهای رسمی بسیار زیاد بر رشد جمعیت و افزایش فرزندآوری است، ولی هم‌زمان مهم‌ترین نیاز مردم که بهداشت و بویژه آموزش کودکان آنان است مورد غفلت واقع شده است. اکنون بخش بزرگی از جامعه ایران به لحاظ فرهنگی جزو طبقه متوسط هستند، هر چند به لحاظ اقتصادی افول کرده‌اند، ولی این طبقه تا هنگامی که از آینده فرزند خود اطمینان پیدا نکنند، اقدام به فرزندآوری نمی‌کند.

نگاه به آینده یعنی این که، کودک سالم به دنیا بیاید، بهداشت و درمان او تأمین باشد و از همه مهم‌تر آموزش خوب برای او در دسترس باشد، حالا حکومت هر چه می‌خواهد پول بیش‌تری برای فرزندآوری بریزد ولی تا هنگامی که بهداشت و درمان و آموزش آنان حل نشود، اقدام به ازدواج یا فرزندآوری نمی‌کنند.

سه دهه پیش مرحوم دکتر حسین عظیمی به درستی بر آموزش ابتدایی به عنوان رکن توسعه تأکید می‌کرد. آموزش و پرورش عمومی بویژه مقطع ابتدایی و نیز پیش‌دبستانی پربازده‌ترین حوزه برای سرمایه‌گذاری در کشور و فرد است که بهره‌وری آن بسیار بالا است گفته می‌شود که هر یک واحد پول که در پیش‌دبستانی کودکانمان سرمایه‌گذاری می‌شود، ۷ تا ۱۶ تومان بازدهی و بازگشت سرمایه دارد. پس از آن آموزش ابتدایی و عمومی قرار دارند.

با این حال نهاد و وزارتخانه آموزش و پرورش تا کنون همچنان سنتی و به دور از تحولات جدید مانده است، و از فلسفه نوین آموزش و پرورش و شیوه‌های آن خبر و نشانی نیست؛ در حالی که بنیان توسعه هر کشوری بر استحکام آموزش عمومی آن است. زمانی بود که نقطه قوت ایران وضعیت آموزش آن در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه بود، اکنون در حال پسرفت آشکاری هستیم، و متأسفانه این فرآیند در حال سرایت به آموزش عالی است، آغاز آن از پزشکی است و ممکن است سایر رشته‌ها را نیز تخریب کنند.

شیوه آموزش به کلی سنتی و مبتنی بر محفوظات و محتواهای اغلب کم‌فایده یا بی‌فایده است. محتوایی که حتی معلمان نیز در اغلب موارد مخالف آن هستند. در آموزش مهارت‌های زندگی محتواهای خوبی دارند ولی دانش‌آموزان فقط حفظ می‌کنند بویژه که در کنکور نمی‌آید اهمیتی به آنها نمی‌دهند.

مهمتر این که آموزش به صورت کارگاه و با تمرین نیست بلکه فقط روخوانی و حفظیات است. فلسفه آموزش عمومی را با موضوع دینداری و انقلابی کردن دانش‌آموزان قاطی کرده‌ایم ما پیش از انقلاب هم درس دینی داشتیم، ولی هدف آن آموزش محتواهای دینی در حد متعارف آموزش بود و نه حتی دیندار کردن، زیرا دیندار کردن مسأله‌ای متفاوت با آموزش دین است ولی اکنون دینداری به آموزش و اطلاع از مناسک و گزاره‌های دین رسمی تقلیل داده شده است؛ هر جا که فرصت شود می‌خواهند مفاهیم آن را به دانش‌آموزان تزریق کنند؛ مسأله دینداری فراتر از آموزش محتواهای دینی است.

هم‌چنان که آموزش تاریخ نیز باید مستقل از تلقین گزاره‌های تاریخی با رویکرد رسمی به دانش‌آموزان باشد. این مسأله برای ادبیات و علوم اجتماعی و حتی عربی هم صادق است خیلی از آموزگاران مفاد کتاب‌ها را قبول ندارند و این نگاه خود را به دانش‌آموزان نیز منتقل می‌کنند و این دو گانگی باعث مشکلاتی می‌شود. در مورد آموزش دینی مشکل مهمی که برای آموزش و پرورش پیش آمده نپذیرفتن معلمان برای آموزش این درس است چون یا خودشان هم مفاد درسی را قبول ندارند یا از پاسخ به پرسش‌های دانش‌آموزان ناتوان هستند در نهایت هم برخی از آنان کل کتاب را بلا موضوع می‌کنند و می‌گویند ما باید همین را درست دهیم شما هم بخوانید و نمره بگیرید عقیده به آنها مهم نیست. این یعنی ضربه اساسی به دینداری است.

به نظر می‌رسد که دروس دینی و تلغیظ محتوای دینی و انقلابی در بیشتر کتابها یکی از علل واکنش منفی دانش‌آموزان از این آموزش‌ها است. آموزش در ایران معطوف به دینداری و انقلابی کردن و نیز معطوف به موفقیت در کنکور است و دیگر هیچ. به همین دلیل است که پژوهش نشان داده؛ آموزش عمومی در ایران از حیث اجتماعی کردن دانش‌آموزان نقشی ندارد.

بی‌اهمیت‌ترین مسأله بخش آموزش و پرورش ساخت مدرسه است. البته خوب است که همه مردم به مدرسه مناسب دسترسی داشته باشند، ولی اگر معلم و نظام آموزشی خلاق در دسترس باشد زیر چادر عشایری و حتی زیر آسمان کبود هم می‌توان آموزش دید. نمونه آقای محمد بهمن‌بیگی بنیانگذار آموزش عشایری کشور است. باید به متولیان امر تذکر داد که بخش مهمی از جوانانی که خارج از هنجارهای رسمی در جامعه می‌بینید، محصول نظام آموزشی ورشکسته و ناکارآمد و ایدئولوژی زده است و محصول همین ساختار است تقصیر دیگران نیندازید؛ این یکی از بزرگ‌ترین خطراتی است که آینده ایران را تهدید می‌کند.

همه مشکلات را می‌توان حل کرد، ولی آن جوانی که از دوره آموزشی او گذشته و ضد اجتماعی شده را چگونه می‌توان دو باره به سر کلاس برگرداند؟ دیر یا زود نتیجه این سیاست‌های نادرست در آموزش عمومی را خواهیم دید. آموزش و پرورش نادرست از استخراج بی رویه منابع زیرزمینی آب هم خطرناکتر است چون هیچگونه امکان بازسازی ندارد.

یکی از مشکلات نظام آموزشی ایران تأکید بر رشته‌های مهندسی و پزشکی است در حالی که باید رشته‌های دیگر جایگاه مناسبت‌تری پیدا کنند، مشکل این است که این رشته‌ها در واقعیت‌های اجتماعی ایران جایگاه چندانی ندارند که بخواهند در نظام آموزش عمومی کشور جایگاه مناسب خود را پیدا کنند. به علاوه آموزش این رشته‌های کم‌طرفدار تحت تأثیر گرایش‌ها و ارزش‌های رسمی است و از طرف جامعه و دانش‌آموزان پس زده می‌شود اغلب مدارس غیرانتفاعی نیز یا این رشته‌ها را ندارند یا تعطیل می‌کنند.

من فارغ‌التحصیل مهندسی هستم، ولی صادقانه باید بگویم که اهمیت علوم انسانی و اجتماعی برای امروز ما به مراتب مهمتر از علوم تجربی است. همچنین آموزش فنی و حرفه‌ای در دوره دبیرستان اغلب با کیفیت ضعیف و امکانات اندک است.

هیچ چیز بیش از بی‌توجهی مفرط به آموزش عمومی این نهاد را ضربه‌پذیر نکرده است. یک دلیل اصلی این بی توجهی که آموزش عمومی را یتیم نموده، وجود مدارس غیر انتفاعی و نمونه دولتی، تیزهوشان و... است که آموزش را به معنای کامل طبقاتی کرد. اگر مدارس دولتی از حداقل‌های لازم برخوردار بود وجود مدارس غیرانتفاعی مشکلی نداشت، ولی وجود این مدارس موجب می‌شود که قریب به اتفاق مدیران دولتی و حکومتی فرزندان خود را در این مدارس ثبت‌نام کنند و چون اغلب این مدارس هم تحت مالکیت و مدیریت دوستان و آشنایان خودشان بود؛ خدمات مهمی هم به این مدارس می‌دادند، در نتیجه فرزندانشان از محیط آموزشی خوب و سطح بالا بهره‌مند می‌شدند، در نتیجه کمتر حساسیتی را نسبت به وضعیت مدارس دولتی داشتند، در آنجا هم با نمونه دولتی و تیزهوشان یک گلخانه درست می‌کردند و خیال خود را به کلی از اکثریت قاطع مدارس آسوده می‌نمودند. کمتر مقطعی را شاهدیم که آموزش عمومی تبدیل به مسأله کشور شده باشد.

چون آنان که آموزش عمومی مسأله‌شان بود، صدا ندارند. در حال حاضر بیش از ۱۵ درصد دانش‌آموزان در مدارس غیر دولتی تحصیل می‌کنند که رقم قابل توجهی است. اغلب این مدارس به نوعی استقلال هم دارند و بر نظام آموزشی کشور تفوق هم دارند.

شاخص مهم مرتبط با این وضع، سهم آموزش از تولید ناخالص داخلی و بودجه عموی دولت است، که متأسفانه در این سال‌ها به شدت کاهش یافته است. سهم آموزش عمومی از GDP حدود ۲،۵ درصد است که نصف شاخص استاندارد جهانی است.

سهم آموزش از بودجه عمومی طی چند دهه از ۲۰ درصد به حدود ۱۰ درصد رسیده است، میانگین کشورها حدود ۱۵ درصد است، پیشنهاد یونسکو ۱۵ تا ۲۰ درصد است. مسأله مهم این است که ۹۸ درصد این بودجه صرف امور جاری و دستمزد می‌شود و فقط ۲ درصد برای بهبود کیفیت آموزش و سایر امور می‌ماند. استاندارد جهانی این شاخص ۷۰ در برابر ۳۰ است و نه ۹۸ در برابر ۲. این روند از آغاز تحریم‌ها در دهه ۱۳۹۰ بویژه از سال آموزشی ۱۳۹۶–۱۳۹۵ تشدید شده است. بودجه امور غیر پرسنلی از ۱۳ درصد به ۲ درصد رسیده و کل بودجه نیز از سهم بودجه عمومی به شدت کاهش یافته و نصف شده است. یکی از دلایل عمده کاهش سهم آموزش، وابستگی بودجه آن به درآمدهای نفتی است.

هر گاه وضع این درآمدها خوب شود، سهم آموزش نیز تا حدی بهبود می‌یابد، ولی به محض اینکه درآمد نفتی کم شود، از اولین جایی که زده می‌شود، آموزش و پرورش است. در واقع این آمار نشان دهنده کاهش مستمر دستمزد معلمان در دو دهه اخیر بوده است.

یکی از شاخص‌های جالب در فهم چرایی افول وضعیت آموزش عمومی؛ ساعات مفید حضور در مدرسه و کلاس است. در ایران به طور متوسط سالانه ۶۰۰ ساعت آموزش می‌بینند، در حالی که استاندارد آن ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ ساعت است، برآوردها نشان می‌دهد که حداقل باید ۳۰ روز بر تقویم آموزش عمومی ما اضافه شود. همچنین وضعیت استفاده از وسایل و امکانات جدید برای آموزش نیز در حداقل‌ها است. بجز در مدارس غیر انتفاعی که تفاوت زیادی با مدارس دولتی دارند.

از مسایل دیگری که در آموزش عمومی ایران کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، آموزش پیش‌دبستانی بویژه در مناطق دو زبانه است؛ وجود این دوره اهمیت زیادی دارد و فقدان آن موجب ترک تحصیل بیش‌تری از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی می‌شود. حدود ۶۰ درصد مدارس فاقد دوره پیش‌دبستانی هستند. ۸۵ درصد این آموزش خصوصی است و این یکی از ریشه‌های نابرابری آموزشی است.

مطالعات نشان داده که کیفیت معلمان بیش از هر عامل دیگری در آموزش و اجتماعی کردن دانش‌آموزان اثرگذار است. متأسفانه به دلایل گوناگون شاهد کاهش کیفیت آنان هستیم برای فهم موضوع باید تذکر داد که، ۴۰ درصد معلمان استخدام شده در این ۱۵ سال فاقد گزینش آموزشی (و نه گزینش عقیدتی) بوده‌اند و اغلب نیز کمتر آموزش حرفه‌ای دیده‌اند. این ۴۰ درصد محصول مصوبات مجلس‌ها و دولت‌ها است و آموزش و پرورش به نوعی بنگاه کاریابی برای معرفی افراد آنان بوده.

۶۹ درصد معلمان فاقد حداقل آموزش‌های لازم برای تصدی این حرفه بوده‌اند. همچنین چالش وجود معلمان با سابقه ولی با ذهنیت قدیمی و کهنه نیز وجود دارد که نه مهارت کار با تکنولوژی دارند نه جهان زیستی نسل جدید را درک می‌کنند در نتیجه میان آن‌ها با دانش‌آموزان تنش وجود دارد.

خروجی چیست؟

اولین مساله که اهمیت دارد آموزش است. وضعیت کیفیت آموزش بسیار تأسف‌آور است. آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز نشان می‌دهد که رتبه دانش‌آموزان سال چهارم ایرانی در میان کشورها در خواندن، ۴۰ از ۴۳، ریاضی ۵۳ از ۵۸ و علوم ۴۹ از ۵۸ بوده است و از هر ۱۰ دانش‌آموز، ۷ نفر به حداقل یادگیری نمی‌رسند و ایران را از این نظر جزو کشورهایی با عملکرد ضعیف قرار داده‌اند. وضعیت ترک تحصیل نیز روند ناامیدکننده‌ای دارد، هر چند بخشی از آنان هم که می‌مانند، وضع بهتری از ترک تحصیل کرده‌ها ندارند.

از مجموع حدود ۱۶،۵ میلیون دانش‌آموز در تابستان گذشته بیش از ۹۹۰ هزار نفر بازمانده از تحصیل یا ترک تحصیل کرده داریم، که رقم قابل توجهی است.

به این وضعیت اضافه کنیم که دو شکاف مهم منطقه‌ای و مدرسه‌ای هم وجود دارد. بویژه تفاوت منطقه‌ای که خیلی زیاد است. یزد با میانگین معدل دیپلم ۱۳،۳ و سیستان و بلوچستان با ۷،۶ در دو قطب این شکاف قرار دارند که فاصله بسیار زیاد است.

مسأله مهم دیگر نه فقط فقدان عدالت در امکانات آموزشی بلکه فراتر از آن فقر عمومی کیفیت و نابرابری در این ویژگی است که کمتر مورد توجه مسیولین قرار می‌گیرد. متأسفانه فقدان مدرسه و تجهیزات و امور عینی، برای همه ملموس است و ساختن یک مدرسه قابل مشاهده و افتتاح با قیچی و روبان و حضور مقامات است، ولی ارتقای کیفیت کمتر قابل نمایش دادن است.

نابرابری در گذراندن آموزش تا پایان مقطع دیپلم هم مشهود است. افراد ۱۸ تا ۲۴ سال در بلوچستان با ۵۸ درصد و در اصفهان با ۱۵ درصد فاقد دیپلم هستند. ۳۰ درصد جوانان این مقطع سنی در ۱۰ استان ایران بالای فاقد دیپلم هستند.

این نابرابری آموزشی همراه با فقر و نابرابری اقتصادی نیز هست. مطالعات در سال ۱۴۰۰ نشان داده است که فقر اقتصادی در یزد ۱۴ درصد و در بلوچستان ۶۶ درصد است. اگر این نابرابری را در کنار نابرابری در دو زبانه بودن نیز ببینیم، ماجرا بدتر می‌شود.

فراتر از نمرات دروس، شواهد و تجربیات کارشناسان آموزش نشان می‌دهد که؛ در کنار فقدان دانش و سواد علمی خروجی نظام آموزشی، از نظر ادبیات یا هنر و اطلاعات عمومی نیز در فقر شدیدی هستیم. بی علاقگی آنان به مدرسه و دروس آن و نیز کنکور مشهود است.

برخی از آموزگاران تجربیات و مشاهدات خود را از نظام آموزشی چنین توصیف کرده‌اند که؛ جذب نیروهای ضعیف به آموزش و پرورش و ناتوانی آنان در اداره کلاس و ارایه آموزش خوب و ایجاد ارتباط مفید با دانش‌آموزان، در مجموع به گسست رابطه عاطفی میان دانش‌آموزان با مدرسه منجر شده است. عوارض اخلاقی این مساله حتی مهمتر از تبعات آموزشی آن است.

بی ادبی، طلبکاری، نداشتن کوچکترین اخلاقیات مثل سلام کردن به معلم، فحاشی ... بی‌توجهی دانش‌آموزان به آداب معاشرت عرفی و اخلاق عمومی، انجام آشکار مصرف سیگار، گل، الکل و روابط نامتعارف جنسی و قبح‌زدایی از آنها، و دچار شدن به اغتشاش‌های ذهنی که هیچ مرجعی برای حل و پاسخ دادن به آنها وجود ندارد و این موارد، نوعی ناپایداری و ناهنجاری رفتاری را نزد بخشی از دانش‌آموزان دامن زده است.

اگر نگوییم مرگ کامل مدرسه بویژه مدارس دولتی در ایران، حداقل باید گفت مدرسه یتیم شده و یا بچه سرراهی است و تبدیل به یک چاردیواری شده که کودکان و جوانان ماچند ساعتی در آنجامحبوس هستند تا زنگ زده و دانش‌آموز و آموزگار راهی خانه شوند.

چه باید کرد؟

طبعاً این را کارشناسان آموزش و پرورش باید نظر دهند ولی لازمه هر تحولی تغییر نگرش ساختار رسمی نسبت به فلسفه آموزش و پرورش و پذیرش اولویت آن در هر گونه برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه است. آموزش برای دستیابی به علم، مهارت‌های زندگی، اجتماعی شدن و ایجاد انگیزه نشاط و پیشرفت در آینده‌سازان کشور است.

ردمی توربو ۵؛ باتری حجیم و پردازنده قدرتمند

گروه علمی و آموزشی– شیائومی با معرفی دو گوشی جدید ردمی توربو ۵ و توربو ۵ مکس، بار دیگر نشان داد که می‌توان سخت‌افزار قدرتمند، نمایشگر پیشرفته و باتری‌های غول‌پیکر را با قیمتی رقابتی در اختیار کاربران قرار داد؛ محصولاتی که آمده‌اند تا معادلات بازار میان‌رده‌ها را تغییر دهند.

شیائومی در جریان یک رویداد، از جدیدترین اعضای خانواده ردمی رونمایی کرد. دو گوشی جدید ردمی توربو ۵ و برادر بزرگ‌تر آن یعنی ردمی توربو ۵ مکس، با قدرت سخت‌افزاری بالا و قیمت رقابتی، بازارهای جهانی را هدف گرفته‌اند.

Redmi Turbo 5 نسبت به نسل‌های قبلی خود ظاهر ظریف‌تر و مدرن‌تری دارد. بدنه این گوشی از فریم فلزی و پنل پشتی شیشه‌ای با ماژول دوربین عمودی تشکیل شده است. این دستگاه همچنین موفق به دریافت گواهی‌های حفاظتی متعددی از جمله IP68، IP66 و حتی IP69K شده که مقاومت بالای آن در برابر نفوذ آب و گردوغبار را نشان می‌دهد.

ردمی توربو ۵ اولین گوشی هوشمندی است که از تراشه جدید دایمنسیتی ۸۵۰۰ مدیاتک بهره می‌برد. این پردازنده با لیتوگرافی ۴ نانومتری ساخته شده و در کنار رم LPDDR5 و حافظه داخلی پرسرعت UFS ۴،۱، عملکرد روان و خوبی را ارائه می‌کند. شیائومی برای مهار گرمای این سخت‌افزار، از سیستم خنک‌کننده پمپ سرد گردشی سه‌بعدی (شبیه به پرچمداران سری اصلی خود) استفاده کرده است.

علاوه‌براین، موتور جدید Rampage Engine آن وظیفه تنظیم فرکانس‌های پردازنده، پردازشگر گرافیکی و حافظه رم را بر عهده دارد تا در هنگام اجرای بازی‌های سنگین، پایداری عملکرد حفظ شود.

در پنل جلویی دستگاه شاهد یک نمایشگر ۶،۵۹ اینچی AMOLED با فناوری Super Sunlight Screen هستیم که از مواد ساطع‌کننده نور M10 ساخته شده و حداکثر روشنایی آن به ۳۵۰۰ نیت می‌رسد. همچنین فناوری‌های محافظت از چشم شیائومی در این مدل به‌کار گرفته شده تا در استفاده‌های طولانی‌مدت، فشار کمتری به چشم وارد شود. یک باتری غول‌پیکر ۷۵۶۰ میلی‌آمپرساعتی با پشتیبانی از شارژ سریع ۱۰۰ وات سیمی و ۲۷ وات بی‌سیم دیگر ویژگی‌های قابل توجه این دستگاه است.

در بخش دوربین، تمرکز اصلی شیائومی روی عکاسی حرفه‌ای نبوده و شاهد یک سنسور ۵۰ مگاپیکسلی، لنز ۸ مگاپیکسلی اولتراواید و دوربین سلفی ۲۰ مگاپیکسلی هستیم. از دیگر ویژگی‌های جذاب این گوشی می‌توان به بهبود سازگاری با اکوسیستم اپل و پشتیبانی از انتقال فایل و اشتراک‌گذاری نوتیفیکیشن بین پلتفرم‌های مختلف اشاره کرد.

ردمی توربو ۵ مکس از نمایشگر بزرگ ۶،۸۳ اینچی OLED با رزولوشن 1.5K و نرخ تازه‌سازی تصویر ۱۲۰ هرتز بهره می‌برد. حداکثر روشنایی این پنل به ۳۵۰۰ نیت می‌رسد. همچنین برای محافظت از چشم، از فناوری PWM Dimming با فرکانس بالای ۳۸۴۰ هرتز استفاده شده است.

بدنه دستگاه از فریم فلزی CNC و پنل پشتی از جنس فایبرگلاس ساخته شده که یک نوار نوری دایره‌ای دوگانه (طرح توربین) در پشت آن خودنمایی می‌کند.

نهایتاً در بخش دوربین، ردمی توربو ۵ مکس از سنسور ۵۰ مگاپیکسلی Light Fusion ۶۰۰ به‌عنوان دوربین اصلی استفاده می‌کند که به‌لرزشگیر اپتیکال (OIS) مجهز شده است. یک لنز ۸ مگاپیکسلی فوق‌عریض هم آن را همراهی می‌کند. هر دو دوربین توانایی ضبط ویدیو با کیفیت 4K و نرخ ۶۰ فریم‌برثانیه را دارند.

قیمت و زمان دسترسی

ردمی توربو ۵ در رنگ‌های مشکی، سبز و سفید با قیمت‌های زیر روانه بازار چین شده است:

نسخه پایه (۲۵۶/۱۲ گیگابایت): ۱۹۹۹ یوان (حدود ۲۸۷ دلار)

نسخه نهایی: ۲۵۹۹ یوان (حدود ۳۷۵ دلار)

فروش این محصول از هم‌اکنون در چین آغاز شده است و به‌زودی در بازارهای جهانی نیز عرضه خواهد شد.

ردمی توربو ۵ مکس هم علاوه‌بر رنگ‌های مشکی، آبی و سفید، با رنگ نارنجی نیز روانه بازار خواهد شد. این گوشی در پیکربندی‌های زیر در بازار چین عرضه شده است:

نسخه ۲۵۶/۱۲ گیگابایت: ۲۴۹۹ یوان (حدود ۳۵۹ دلار)

نسخه ۵۱۲/۱۶ گیگابایت: ۳۰۹۹ یوان (حدود ۴۴۵ دلار)

یک جدول با دو شرح

۴۸۷۹

جدول روز نامه دارای دو شرح عادی و ویژه است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح ها را با مداد حل کرده، و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱ - براده از فلزات بر می‌دارد - خمیازه
۲ - مقابل «آستری» - بی‌همتا - جنین
۳ - پیشکسوت داوری فوتبال ایران - ابزار تزریق - از توابع اصفهان
۴ - درنده جنگلی - ناخن ستور - پسر سوم چنگیزخان - صدای افسوس
۵ - منقار کوتاه - نوازنده - سخن چین
۶ - یک‌دل و یک‌زبان - روزگارها - نشان مفعول
۷ - مرکز «پرو» - فعالیت تفریحی - زنبور کارتونی
۸ - سریال سروش محمدزاده (۱۴۰۳) - پادشاه اشکانی - ویژگی غنچه باز شده
۹ - بخشی از پا - اسم زنانه فرنگی - والا و اعلی
۱۰ - پشه - کتاب نظامی - سنگی قیمتی
۱۱ - موسیقی بومی بوشهر - عزیز و دوست داشتنی - مرطوب
۱۲ - نوعی اسباب‌بازی - خدمتکار مرد - کلام تردید - روییدن
۱۳ - پس و پشت - پایتخت اداری «هلند» - فعل عنکبوت!
۱۴ - نادر - گلی زینتی - امر به نوشتن
۱۵ - کشور فیل‌ها - محصول به‌دست آمده از طریق زراعت یا صنعت

عمودی:

۱ - پایانه‌ای در تهران - مجلل و فانتزی
۲ - ابزار به‌راه افتادن بچه - ابزار در و پنجره - دمای زیاد و سوزاننده
۳ - نسیم سرد - دست راست - طرح‌های قانونی
۴ - انگبین - پلکان زین - خیک آب - موی گردن اسب
۵ - سمت چپ - صحرا - آواز بره و بز
۶ - ماهی زنده به آن است - به‌هم سائیده شده - قراول
۷ - نخ تابیده - جزوه‌بندی کتاب - دانشگاه
۸ - پیشرفت کردن - بنده - ابواب
۹ - خردمند و فاضل - این استان یکی از مناطق گردشگری ایران است - سرمنزل
۱۰ - از عناصر کمیاب - سرسرای هتل - متضاد «ماده»
۱۱ - واحد سطح - تئاتر - مجرای آب زیرزمینی
۱۲ - فرزندزاده - مخفف هستم - آبی‌سیر - گهواره پارچه‌ای
۱۳ - روز پیش از امروز - نوشیدن با صدا - دریاچه طبیعی و آب شیرین اردبیل
۱۴ - سومین خودروی ملی - مهربانی - متضاد «تسهیل»
۱۵ - اهل سرزمین شگفتی‌ها - وسیله‌ای در جعبه ابزار

جدول ویژه

افقی:

۱ - دریچه نیمه‌هلالی قلب - درد مفاصل
۲ - هافبک تراکتور - گلزن سوریه‌ای - بندر بوشهر
۳ - راندمان - دندانپزشک - فال می‌گیرد
۴ - روستایی در «درمیان» - عنصر نمک خوراکی - جای درم و دینار از چرم - نام «بیل» هافبک سابق رئال
۵ - او - پرگار - منطقه‌ای در «اسپانیا»
۶ - کناره‌ها - جود و کرم - دشنام
۷ - بازیگر سریال «جزر و مد» - پایتخت «بوتسوانا» - جرب
۸ - سبک ادبی - بساک - پارکینگ ماشین
۹ - دست‌کج - دید و بازدید - ممنوع شده
۱۰ - اشاره به دور - شهری در «توگو» - آلبومی با آهنگسازی پرویز مشکاتیان و خوانندگی ایرج بسطامی
۱۱ - بانی درمان «گشتالت» - تابلوی «رنوار» - تا شده!
۱۲ - جواب های! - پشتیبان - به‌همراه - ثریا
۱۳ - گرامی - بیچارگی - نوعی گل
۱۴ - از توابع جاسک - همان «مارس» - تکه‌چسبانی
۱۵ - روستای دیدنی استان گلستان - دور ریختنی و به‌کار نیامدنی

عمودی:

۱ - شاعر شیلیایی - از طبقات ساختمان
۲ - زبان محلی خمینی‌شهر - از غلات - دفاع سابق گل‌گهر
۳ - از اشکال هندسی - تازه - ۲ سال پیش
۴ - پاداش - لقب اروپایی - ناشنوا - دخترخانم
۵ - فیلمی از مرحوم رسول ملاقلی‌پور - مواد اولیه ساختمان‌سازی - حرف تمسخر
۶ - گرداگرد لب و دهان - یک‌ششم - مرتعش
۷ - ایتالیای قدیم - فیلم «کریس وج» - کمینگاه
۸ - انگشت سبابه - اجازه گرفتن - شهر «ژاپن»
۹ - واحد بوکس - اثری از «ملیسا برودر» - سبزی ریشه‌ای
۱۰ - خوش‌اخلاق - خنیاگر - واژه پرسشی
۱۱ - تخم‌مرغ فرنگی - شاه پیشدادی - باطن
۱۲ - بازیگر استرالیایی - شادمان شدن - کما - رود «روسیه»
۱۳ - وینگر نساجی - بین سر و تن - شهر «سوئیس»
۱۴ - نشسته بر وسیله نقلیه - نشان پای آدمی - ماه بهاری
۱۵ - زمان تعیین شده وقوع امری - داستانی در شاهنامه

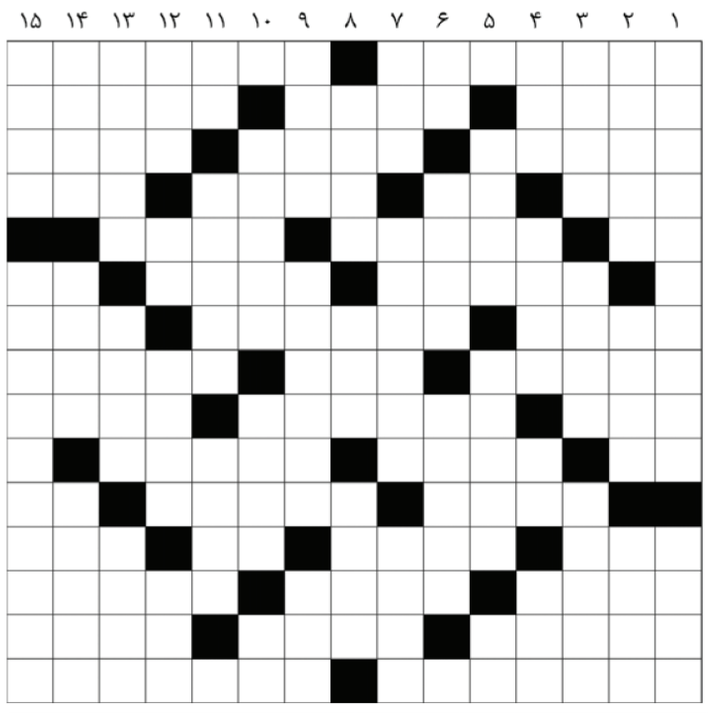

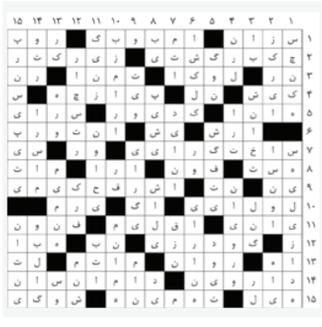

حل جدول ویژه شماره ۴۸۷۸

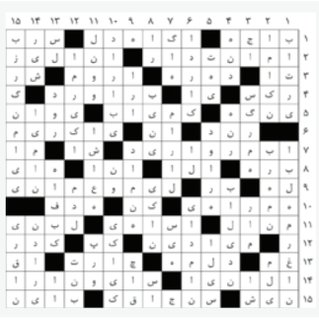

حل جدول عادی شماره ۴۸۷۸

کیش نوش
تولید و توزیع آب معدنی در سراسر جزیره، تحویل در محل
۴۴۴۷۳۴۲۱–۴۴۴۷۳۴۲۲